

گفت‌وگوی «جوان» با یک راوی دفاع‌مقدس درباره استعداد نیروهای نظامی ایران و ارتش بعث در شروع جنگ تحمیلی

اشتباه صدام از قلم انداختن نقطه قوت ایران یعنی قوای مردمی بود

■ **علیرضا محمدی**

تا شهریور ۱۳۵۹ هر کاری که می‌شد برای تقویت نیروهای نظامی ایران انجام گیرد، صورت پذیرفته بود. در این زمان آنها بی‌که در مرزها مستقر بودند، حتم داشتند که جنگ آغاز خواهد شد، اما برخی مسائل در داخل ایران باعث می‌شد تا تلاش‌چندانی برای تقویت ارتش صورت نگیرد. از طرف دیگر نیروهای نظامی موجود نیز در مناطق آشوب‌زده مثل کردستان، درگیر یک جنگ فرسایشی بودند. ارتش بعث از زمان روی کار آمدن صدام (تیر ۱۳۵۸) به سرعت خودشان را تقویت کرده بودند، اما در ایران به دلیل اینکه انقلاب تازه به پیروزی رسیده بود و برخی از جریان‌های سیاسی در کار نظام نویای اسلامی اختلال ایجاد می‌کردند، آنطور که باید روی تقویت نیروهای نظامی خصوصاً ارتش که در شروع جنگ اصلی‌ترین رکن نظامی کشور به شمار می‌رفت، تلاش نمی‌شد. نهایتاً ارتش بعث عراق در ۳۱ شهریور ۵۹ به ایران حمله کرد. «اما در آستانه حمله صدام به ایران، نیروهای نظامی ما چه استعدادی داشتند؟» این سؤالی بود که از مهدی حسینی از راویان دفاع مقدس پرسیدیم.

■ ■ ■

در زمان رژیم شاه، خیلی از قدرت ارتش صحبت می‌شد، ارتش ایران در آن زمان چه تعداد نیرو داشت؟

طبق آمارهایی که وجود دارد، ارتش ایران در سال ۱۳۵۷ یعنی آخرین سال عمر رژیم طاغوت، حدود ۴۲۰هزار نفر نیرو داشت. ۲۰۰الی ۳۰۰هزار نفر هم نیروی ذخیره بودند که غالباً همه ارتش‌های دنیا چنین نیروی ذخیره‌ای را دارند. نیروی زمینی که عمده نیروهای نظامی ما را تشکیل می‌داد سه لشکر زرهی، چهار لشکر پیاده و چهار تیپ مستقل داشت. حدود ۲۸۰هزار نفر تعداد پرسنل نیروی زمینی را شامل می‌شدند، اما نیروی هوایی یک تیپ هائز را با حدود ۱۰۰ هزار نفر افسر، درجه‌دار و پرسنل. نیروی دریایی هم تقریباً یک سوم نیروی هوایی پرسنل نیرو داشت، یعنی چیزی حدود ۳۰هزار نفر.

یعنی با ۱۲لشکر و چند تیپ مستقل به ایران حمله کردند، یعنی استعداد ارتش آنها از نیروهای ارتش ایران در قبل از انقلاب هم بیشتر شده بود؟

حدود دو سال قبل از شروع جنگ، ارتش عراق تقریباً یک سوم ارتش ایران، نیرو و نفرات داشت، ولی بعد از روی کار آمدن صدام، ارتش خودشان را به سرعت تقویت کردند. تا زمان حمله به ایران، یعنی‌ها حدود ۳۰۰هزار نفر نیرو جمع کردند. این آمار نیروهای پلیس و مرزبانی عراق را هم شامل می‌شود. وگرنه نیروی زمینی‌شان تقریباً ۲۵۰هزار نفر بود. چیزی حدود همان ۲۸۰هزار نفری که در زمان شاه، نیروی زمینی ما را شامل می‌شد. صدام حتی برخی از عراقی‌ها که سن‌شان به بالای ۳۰سال می‌رسید را به ارتش فراخواند. به این ترتیب ظرف مدت کوتاهی تعداد نفرات

ارتشش را حدوداً دو برابر کرد. هرچند همچنان به کل نفرات ارتش ایران در قبل از انقلاب نمی‌رسید، ولی لشکرهای عراقی عمدتاً زرهی بودند. تمامی آن ۱۲ لشکری که شما هم ذکر کردید، همه‌شان زرهی بودند. ۱۵ تیپ و یک لشکر دیگر هم در کنار این لشکرهای زرهی ایجاد کرده بودند.

در طرف مقابل با وقوع انقلاب قاعدتاً ارتش ایران دچار تغییراتی شد. برخی از جریان‌ها هم طرح‌هایی برای ارتش پیاده می‌کردند که منجر به ضعف آن می‌شد.

بله همینطور است. مثلاً دولت موقت می‌گفت زمان خدمت سربازی از دو سال به یک‌سال تغییر کند. یا هر کسی بچه هر کجایی هست، برود در منطقه خودش خدمت کند. اینها به ارتش ضربه می‌زد. از طرف دیگر هم قاعدتاً تغییر یک نظام و استقرار نظام جدید، روی خیلی از بخش‌ها اثر می‌گذاشت. ارتش هم از این قاعده مستثنی نبود. هرچند دولت موقت یک سری دیدگاه‌هایی هم داشت که مستقیم روی ارتش تأثیرگذار بود. مثلاً عنوان می‌شد ما به جای قراردادهای نظامی باید به سراغ مسائل اقتصادی برویم. رسماً گفته بودند که باید تعداد نفرات ارتش به نصف کاهش پیدا کند.

با این تقاصیلی که گفتید، تعداد نفرات ارتش ایران در زمان حمله یعنی‌ها چند نفر بود؟

نمی‌شود آمار دقیقی ارائه داد، اما چون غیر از افرادی که به خاطر وفاداری به رژیم گذشته یا از ارتش کنار گذاشته شدند یا خودشان رفتند، تعداد قابل توجهی از سربازها و افسران رده پایین‌تر به دلیل وقوع انقلاب و دستتوری که حضرت امام پیش از پیروزی انقلاب دادند، از ارتش فرار کرده بودند. بخشی از آنها که کم هم نبودند، بعد از پیروزی انقلاب احساس تکلیف کردند و برگشتند. همین هم باعث می‌شد که نتوانیم آمار دقیق بدیم. اما طبق آمارهایی که وجود دارد به نظر می‌رسد بین ۱۰۰ تا ۱۵۰

هزار نفر نیروی زمینی ایران را شامل می‌شد. ما یکسری لشکرهای معروف مثل ۱۶زرهی قزوین، ۷۷خراسان، ۲۸ کردستان، ۸۱ کرمانشاه، ۹۲زرهی خوزستان و… داشتیم که شاکله‌شان حفظ شده بود. هرچند که عمده این لشکرها از کمبود نفرات گزارش می‌دادند، ولی حفظ شاکله این لشکرها می‌تواند به ما کمک کند که یک آمار کلی از تعداد نفرات ارتش ایران در زمان شروع جنگ داشته باشیم.



حدود دو سال قبل از شروع جنگ، ارتش عراق تقریباً یک سوم ارتش ایران نیرو و نفرات داشت، ولی بعد از روی کار آمدن صدام، آنها ارتش خودشان را به سرعت تقویت کردند. تا زمان حمله به ایران، یعنی‌ها حدود ۳۰۰هزار نفر نیرو جمع کردند. این آمار نیروهای پلیس و مرزبانی عراق را هم شامل می‌شد



■ سپاه پاسداران در ابتدای دفاع مقدس هنوز تیپ تشکیل نداده بود



تخصیص زده می‌شود که هم ارتش ایران در شروع جنگ بین ۱۰۰ الی ۱۵۰ هزار نفر بود

تفکرشان یک تفکر جنگ چریکی بود. به همین خاطر اغلب گردان‌های سپاه، جمع و جور و با نفرات کم بودند که به کارها و عملیات ضربتی و چریکی بیشتر می‌خوردند تا ارتش منظم. در هر حال باید بگوییم که تعداد پاسدارهای جوان در شروع جنگ همان حدود ۳۰هزار نفر بودند. یک نیروی به لحظات کمیت و تعداد کم، اما بسیار با کیفیت از لحاظ روحیه و سختکوش در میدان جنگ.

البته باید بگوییم که این ۳۰ هزار نفر هم در حوادثی مثل کردستان و مناطق دیگر درگیر بودند.

دقیقاً همینطور است. از ابتدای پیروزی انقلاب قضیه گنبد پیش آمد و بعد ماجرای کردستان و خوزستان (خلق عرب) و آذربایجان (خلق مسلمان) و همین‌طور مسائل دیگر. این را هم بگویم که پاسدارها در کل شهرهای ایران درگیر ضد انقلاب و جدایی طلب‌ها و گروهک‌های مختلف بودند. کردستان البته از همه جا بغرنج‌تر بود. محیط کوهستانی آنجا و همجواری مرزهایش با کشور عراق و سابقه گروه‌هایی مثل دموکرات که به چند دهه قبل می‌رسید، همگی باعث شده بود تا این خطه از کشور مان اوضاع نابسامان‌تری نسبت به دیگر مناطق داشته باشد. آنجا غیر از پاسدارها، نیروهای ارتش هم بسیار درگیر بودند. خود لشکر ۲۸ کردستان، لشکر خراسان، لشکر کرمانشاه و… تا تماماً واحدهایی از این لشکرها آنجا درگیر بودند.

بنابر این وقتی که بعضی‌ها حمله کردند، ما نیروی نظامی قابل توجهی برای مقابله با آنها نداشتیم؟

در خوزستان لشکر ۹۲ زرهی یک ماه قبل از شروع رسمی جنگ طبق گزارش رسمی اعلام کرده بود که تعداد قابل توجهی از نفراتش سر خدمت حاضر نیستند. بیش از نیمی از نفرات این لشکر در محل خدمت‌شان نبودند. این لشکری بود که باید جلوی تهاجم اصلی عراق را می‌گرفت. یعنی‌ها موقع حمله به ایران بیشترین و قوی‌ترین لشکرهای‌شان را به خوزستان فرستادند، اما عمده نیروی ما در آنجا که لشکر ۹۲ بود، بسیاری از نفرات کمبود داشت. سپاه این استان مثل سپاه خرمشهر، آبادان و اهواز هم نفرات زیادی نداشتند، اما دشمن یک موضوع را از قلم انداخته بود آن هم مقاومت مردمی. در ماجرای خرمشهر دیدیم که چطور جوان‌های این شهر و سپس جوان‌هایی از همه جای ایران خودشان را به خرمشهر رساندند و مقابل دشمن ایستادند. بعد از شروع جنگ، سپاه با پیوستن بسیج به آن بسیار سریع رشد کرد تا پایان دفاع مقدس تقریباً تمام استان‌های ما یک لشکر تشکیل داده بودند و حداقل یک تیپ داشتند. ارتش هم سازمانش را بسیار گسترش داد. الان ارتش ما بسیار قوی‌تر از ارتش دوران طاغوت است. سپاه هم که در هر استانی یک سپاه استانی تشکیل داده است، یعنی همان لشکرهای حاضر در جنگ با توجه به حضور بسیجی‌ها هر کدام یک سپاه استانی تشکیل داده‌اند. اینها همه از اثرات دفاع مقدس است و فرصت‌هایی که از تهدید جنگ تحمیلی ایجاد کردیم.



ارتباط با ما ۰۰۰۰۶۸۵۳۲

خاطره

خاطره‌ای از عمل به تکلیف از سوی یک شهید در گفت‌وگوی «جوان» با هم‌زمش

امام گفت حسینان به پاخیزید و اکبر راهی شد!

■ **غلامحسین بهبودی**

«عمل به تکلیف» رمز موفقیت ملت ایران در جنگ نابرابر علیه دشمنی بود که از سوی تمامی ابر قدرت‌های وقت جهان حمایت می‌شد. رزمندگان غالباً جوان با اخلاص و ایمانی که داشتند، برای عمل به تکلیف شرعی و مبنی خود تحت امر حضرت امام خمینی (ره) هر کاری از دستشان برمی‌آمد انجام می‌دادند تا کار جبهه‌ها لنگ نماند. خاطره شهید اکبر اکبری از رزمندگان دفاع مقدس و نحوه برخورد او با فرمان حضرت امام بسیار تأثیرگذار است. این خاطره را در گفت‌وگو با سیدمر تقی موسوی هم‌رم شهید و به نقل از مادر شهید شنیدیم. ماجرای رزمنده‌ای که تازه به مرخصی آمده بود، اما به محض اینکه پیام امام برای حضور در جبهه را شنید، همان لحظه از جا بلند شد و به جبهه رفت. رفتنی که بازگشتی در کارش نبود.

■ **فرزند کوچک من!**

امام تمام نشده بود که اکبر با شنیدن همین جمله «حسینیان به پاخیزید!» بلافاصله از سر سفره بلند شد و به طرف اتاق رفت. لباس بسیجی خود را فوراً پوشید و ساکش را برداشت!

■ **ناهارت را تمام کن!**

هر چه به او التماس کردم؛ مادر! اکبر جانم! حداقل ناهارت را تمام کن بعد برو. اکبر قبول نکرد و گفت مادر جان! مگر نشنیدی



■ شهید اکبر اکبری



امام (ره) چه فرماتی داده؟ اشک در چشمانم حلقه زده بود و تازه از جبهه برگشته بود، اما باید بار دیگر فرزندم اکبر را بدرقه و از زیر قرآن رد می‌کردم! اما این بار انگار راه رفتن و قدم برداشتن اکبرم با دفعات قبل فرق می‌کرد! نگاهی به قد و قامت کوچکش انداختم، راه رفتنش مردانه شده بود. او را بغل کردم و صورتش را بوسیدم و گفتم مادر برو خدا به همراهت! از زیر قرآن عبور کرد. اکبرم سریع به طرف موتری سپاه در خیابان کمال اسماعیل حرکت کرد و هنوز نیامده دوباره عازم جبهه شد!

■ **شهادت و مفقودی در فاو**

بعدها از دوستان اکبر شنیدم که او بارسینن ناهای مفصلی تدارک می‌دیدم تا حسابی از او پذیرایی کنم. با آنان ظهر اکبر نمازش را اول وقت به جامی آورد وقت ناهار کمک می‌کرد و سفره را دقیقاً مقابل تلویزیون پهن می‌کرد تا اخبار ساعت ۲ بعدازظهر را گوش بدهد. علاقه رفیع شهادت ناثل آمد و پیکر پاکش در منطقه ماندگار شد!

■ **پیام قاطع امام(ره)**

وقت خوردن ناهار شد. اکبر چند لقمه اول را لطف خدا در جریان تفحص پیکر شهدا در منطقه فاو و ام‌القصر استخوان‌های اکبر را برام به ارمان آوردند، در حالی که کاملاً مخصصاً در مناطق جنوب شروع کرده بود و آماده حمله به خطوط مقدم رزمندگان اسلام شده بود. حضرت امام(ره) در پیام خود به صراحت فرمودند: «حسینیان به پاخیزید، امروز ایران کربلاست.» هنوز پیام حضرت

جدول

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۸۴۳

از راست به چپ

۱- همکاری - شهر تاریخی ترکیه ■ ۲- سردار و سپهسالار - حجم هندسی - غذایی ساده ■ ۳- عید ویتنامی‌ها - ترکیب فارسی به معنی حواشی - از ورزش‌های گروهی ■ ۴- تنگی و فشار - برجم - درخت انگور - مظهر چسبندگی ■ ۵- ضد تازه و نو - خوشبختی - مزه فلفل - راست ایستاده ■ ۶- ریش سفید ترک - شهر پالایشگاه ■ ۷- کاپیتان سابق منچستر یونایتد - صدای بارش باران - دستگاه عیب‌یاب خودرو ■ ۸- از زیبایی‌های دریا - در غربت می‌زنند - باد - نوعی پخت برنج ■ ۹- رود کارها - سبزر روشن - کتاب حضرت داود ■ ۱۰- اعلامیه‌ای که به طور مخفیانه توزیع می‌شود - از اصول دین ■ ۱۱- اندک - درس نخوانده - ظاهر سازی - بی فامیل ■ ۱۲- یک ساعت - هر چهار پای اهلی - رود روسیه - پسونند آلودگی ■ ۱۳- نگهبان - خیزر - رخسار ■ ۱۴- هر وسیله حمل و نقل - شهر نزدیک اردبیل - جانور درختزی استرالیایی ■ ۱۵- از اختراعات ادیسون - پزشکی مخصوص بیماران

از بالا به پایین

۱- استوار و مقاوم - بازاربایی ■ ۲- از داروهای گیاهی که اشتها آور، تصفیه‌کننده خون، تب بر و برطرف‌کننده بیماری‌های پوستی است - ایتالیای باستان - استقرار یافته ■ ۳- سرخ کمرنگ - فعالیت زیاد - بلندمرتبه ■ ۴- از درختان جنگل‌های شمال - سیل - سود حرام - ولی ■ ۵- سریع‌ترین روش شننا - دیوار کاهگل - پارچه پشمی ضخیم - علامت جمع ■ ۶- همراه جگر، دل و قلوه - هویدا و آشکار ■ ۷- حشرات موذی - بوی خوش - بهشت ■ ۸- حاجت و مقصود - آتش - آبادی بزرگ - دشمنی ■ ۹- دعایی که عصر جمعه خوانده می‌شود - منسوب به بشر - سرگرد قدیم ■ ۱۰- بخت‌زمانی - تیری که با کمان انداخته می‌شود ■ ۱۱- ضمیر اشاره - مقابل تیز و تند - گروه سیاسی - نمایان و آشکار ■ ۱۲- امیدش را در جنوب آفریقا بجوید - عدل و انصاف - هر چیز گسترده - عقیده انتخاباتی ■ ۱۳- کوسه - سم سیگار - پیش شماره مخابراتی ■ ۱۴- نورد - ماده پهبوش‌کننده - تنها رود قابل کشتیرانی ایران ■ ۱۵- مجمع بزرگ نمایندگان افغانستان - کم کردن از مبلغ چک مدت‌دار و تبدیل آن به پول نقد

جدول سودوکو

ارقام ۹تا را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۶۸۴۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	خ	ع	ا	ن	ع	س	ز	و	و	ز	و	و	و	و
۲	ت	و	ن	ا	ر	ا	خ	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۳	ت	و	ن	ا	ر	ا	خ	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۴	ت	و	ن	ا	ر	ا	خ	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۵	ل	د	ی	ا	ف	م	ا	ی	م	ل	ک	ف	ق	ق
۶	ل	د	ی	ا	ف	م	ا	ی	م	ل	ک	ف	ق	ق
۷	ل	د	ی	ا	ف	م	ا	ی	م	ل	ک	ف	ق	ق
۸	ب	ی	ن	ی	ر	ا	ز	ا	ر	ا	ز	ا	ر	ا
۹	ب	ی	ن	ی	ر	ا	ز	ا	ر	ا	ز	ا	ر	ا
۱۰	ب	ی	ن	ی	ر	ا	ز	ا	ر	ا	ز	ا	ر	ا
۱۱	ا	م	ی	ل	ک	ف	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق
۱۲	ا	م	ی	ل	ک	ف	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق
۱۳	ا	م	ی	ل	ک	ف	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق
۱۴	ا	م	ی	ل	ک	ف	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق
۱۵	ا	م	ی	ل	ک	ف	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق